

ترجمه های غلط فارسی

از کلمات صحیح خارجی

پائین آمدن سطح معلومات شاگردان متوسطه و عالی در زبان و ادبیات فارسی که تا حدی معلول توجه بیش از اندازه آنها به یاد گرفتن زبانهای خارجی (به بهای غفلت از یاد گرفتن اصول و قواعد زبان ملی) است خطری بسیار جدی برای فرهنگ این مملکت ایجاد کرده که مبارزه با آن محتاج پیدا کردن راه حل‌های صحیح و معقول و عملی است و همان طور که خود مسئله جدی است راه حل و شیوه مبارزه با آن نیز باید جدی گرفته شود.

انکار نمی‌توان کرد قسمتی از این وضع تأسف آورمن غیر مستقیم ناشی از آن بیماری وسیع و دامنگیر اجتماع ماست که بر وجود بعضی افراد و جمعیت‌ها چیره شده و «معتقدشان» کرده است که هر نوع کالا یا فرهنگ خارجی (منجمله زبان خارجی) بر کالا و فرهنگ ایرانی (منجمله زبان فارسی) برتری دارد! برخی از این اشخاص بکلی غیر قابل علاجند و دورشان را باید خط کشید. اینان همانها هستند که فرزندان خود را از بچگی به خارجه می‌فرستند تا زبان مادری را از یاد ببرند و در مقابل آن يك زبان «کامل» خارجی فراگیرند غافل از اینکه یاد گرفتن کامل يك زبان خارجی تازه خود محتاج تسلط به قوانین و دستور زبان و اصول صحیح نویسی در آن زبان است که غالب این گونه «آوارگان فرهنگی» متأسفانه از چنین تسلطی بی‌بهره‌اند. مع الوصف چون اکثریت مردمان ایران خوشبختانه چنین نیستند یعنی واقماً نمی‌خواهند که فرزندان ایرانی آنها نسبت به زبان فارسی بیگانه بار آیند، می‌توان امیدوار بود که سختگیری های لازم در مراحل بدوی تحصیل، توأم با بکار بردن وسایل مؤثر دیگر برای برانگیختن روح قومیت و ایجاد شور و ایجاد نسبت به آثار و مظاهر وحدت ملی (منجمله زبان فارسی) شاید به اصلاح تدریجی این وضع کمک کند. ولی به هر حال نشان دادن راه حل قطعی در این باره از صلاحیت این بنده (که تخصصش در علوم سیاسی و مسائل بین‌المللی است) خارج است گرچه خوشبختانه فراوانند استادان و کارشناسانی که نظرات صائب آنها (که تاکنون بارها عرضه شده است) خوب می‌تواند پایه عمل برای اصلاح این وضع تأسف آور (و شرم آور) قرار گیرد.

عده زیادی از این « تحصیلکرده » ها - با این وضع تأسف آور- پس از آنکه دانشنامه خود را (از داخل یا خارجه) دریافت کردند وارد خدمت در خبرگزاری پارس، تلویزیون ملی ایران، رادیو، مطبوعات (روزانه و هفتگی) می‌گردند و شروع به « انجام وظیفه » می‌کنند. در جزء مسئولیتهائی که به عهده بعضی از این بزرگواران سپرده می‌شود بر گرداندن اخبار و مطالب خارجی به زبان فارسی برای نشر در مطبوعات یا پخش در رادیو و تلویزیون ملی ایران است. و درست در همین جاست که نقص معلومات آنها درباره اصول و قواعد ترجمه (که صدی پنجاه ناشی از کمبود معلوماتشان در خود زبان فارسی است) در آن ترجمه‌های

عجیب و غریب که از لغت‌های خارجی می‌کنند منعکس می‌گردد و تحفه‌هایی به وجود می‌آورد که انسان حقیقتاً متعجب است در قبال آنها بخندد یا گریه کند !

برخی از این اصطلاحات غلط و نا زیبا که در این سال‌ها و ماه‌های اخیر به « همت » این گونه مترجمان نابخسته در مقابل لغت‌های مصطلح بیگانه وضع شده و سپس راه خود را از مجرای مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی به محاورات روزانه اشخاص پیدا کرده است آنچنان عجیب و مضحك است که انسان حتی از قوه تمیز مقاماتی که اینگونه اشخاص را در دستگاه‌های عریص و طویل خود استخدام می‌کنند پاك مایوس و دلزده می‌شود. در این مقاله بعضی نکات که معرف این گونه اشتباهات و بی‌دقتی‌ها در امر ترجمه است به عرض صاحب‌نظران و مصادر امور می‌رسد تا چه قبول افتد و چه در نظر آید .

یکی از اساسی‌ترین عللی که مترجمان بی‌پایه امروز را در امر ترجمه گمراه می‌کند عدم آشنائیشان با اصول و قواعد ترکیب است . از آنجا که لغت‌های مرکب در کلیه زبان‌های زنده دنیا هست (و در زبان فارسی می‌شود گفت که حتی بیشتر است) استعمال روشی که این مترجمان کج سلیقه از خود در آورده‌اند منجر به پیدایش لغت‌ها و اصطلاحات جدیدی در زبان فارسی گردیده است که غالباً نه تنها مضحك بلکه اشمئزاز آورند .

برای تشریح این وضع ، بگذارید اول از يك مشت کلمات مرکب فارسی که (فرضاً) در نظر است معادل‌های انگلیسی برای آنها وضع شود ، آغاز کنیم . لغت‌های مرکبی مثل شتر مرغ ، آبرو ، خودنویس ، تندرستی ، سخن‌چینی ، همسایه ، کنجکاوی ، و امثال اینها ، معادل‌هایی صحیح و روشن در زبان انگلیسی دارند . در مقابل شتر مرغ (Ostrich) در مقابل آبرو (Reputation) در مقابل خودنویس (Fountain pen) در مقابل تندرستی (Health) در مقابل سخن‌چینی (Gossip) در مقابل همسایه (Neighbour) و در مقابل کنجکاوی (Curiosity) هست .

حال اگر مترجمی علم و آشنائی کافی به قواعد ترکیب نداشته باشد و شیوه بعضی از مترجمان مطبوعاتی سال‌های اخیر را (که اجزاء دو گانه کلمه را تک تک ترجمه و سپس آنها را بهم وصل می‌کنند) اتخاذ کند ، برای لغت‌هایی که در بالا ذکر شدند معادل‌های عجیب و غریبی بدین سان بدست خواهد آمد :

- Camel – Bird (یا Camel – hen) = شتر مرغ
- Water of face = آبرو
- Self – writer = خودنویس
- Boby – rightness = تندرستی
- Word – picking = سخن‌چینی
- Co – shade = همسایه
- Corner – digging = کنجکاوی

اکنون از خودتان می‌پرسم اگر کسی ادعای مترجمی داشت و کلمات مرکب فارسی را

بدین سان به انگلیسی ترجمه کرد ، شما چه قضاوتی درباره او می کنید ؟
اولین عکس العمل خواننده درقبال این پرسش من ، بی گمان این خواهد بود که چنین
وضعی هرگز در عمل پیش نمی آید و مثالهایی که در بالا ذکر شده اند جنبه شوخی دارند .
ولی بدبختانه عین این رویه هنگام برگرداندن بعضی لغت ها و اصطلاحات انگلیسی به فارسی ،
مدت هاست که در این مملکت رایج شده و نمونه هایی که در پائین آورده می شود فقط مشتی
از خروار است .

۱- مرد قورباغه ای (جمع آن = مردان قورباغه ای)

این لغت نوظهور ترجمه ای است غلط از لغت مرکب انگلیسی Frogman که جمع
آن Frogmens می شود. مترجم کم مایه به جای اینکه لغت اصیل و صحیح « غواص » را به
جای کلمه « فراگمن » برگزیند عناصر ترکیب کننده این کلمه یعنی Frog (به معنی قورباغه)
و Man (به معنی مرد) را تک تک ترجمه کرده و سپس آنها را بهم چسبانده است .
نتیجه چه شده ؟ **مرد قورباغه ای !** در صورتیکه ترجمه صحیح «فراگمن» همچنانکه عرض
کردم « غواص » یا « غواص نیروی دریایی » است .

غواصان امروز (مخصوصاً غواصان نیروی دریایی) طبعاً با غواصان اعصار کهن فرق
دارند . غواص امروز به لباسهای مخصوص که دارای فنر جهش است (واو را هنگام پریدن
به آب به شکل قورباغه نشان می دهد) و ماسک اکسیژن و عینک های رطوبت ناپذیر و دهها
ابزار فنی دیگر مجهز است و بدین وسیله اگر تعمیر کشتی (از زیر دریا) یا جاسوسی دریایی
و لطمه زدن به کشتی دشمن (باز از زیر دریا) لازم شد می تواند ساعتها زیر آب بماند در
حالی که انجام این عمل بکلی از حیطة قدرت غواصان عهد کهن خارج بود . اما وجود این
فرق مجوز این نیست که ما لغت اصیل غواص را عوض کنیم و به جای آن لغت قلمبه « مرد
قورباغه ای» را بکاربریم . واگر این اصل را بپذیریم که عوض شدن ابزارهای فنی ، لازمه اش
عوض شدن اسامی مقبول و مصطلح ایام گذشته است در آن صورت سر باز امروز را که به دوربین
و مسلسل و دستگاه بی سیم و نارنجک دستی مجهز است و با سر باز اعصار کهن (که تنش را
عادتاً در جوشن و برگستوان می پوشاند) فرق دارد ، ناچار باید « مرد نارنجکی» یا «مرد
مسلسلی» بنامیم . یا فرضاً به استادان امروزی دانشگاه که برای رساندن مطالب خود به گوش
دانشجویان از میکروفن و وسائل سمعی و بصری استفاده می کنند (و در نظر داشته باشید که
استادان دانشگاه نظامیه بغداد هیچکدام از این مزایا را نداشتند) دیگر نباید استاد گفت بلکه
باید همه شان را « مردان میکروفنی » نامید !

۲- دولتمرد

که ترجمه ای است غلط از لغت انگلیسی Statesman (مرکب از کلمه State به معنی
«دولت» و Man بمعنی «مرد»)

* - تازه باید توجه داشت که خود این کلمه Man همیشه معنی مرد نمی دهد بلکه گاهی
لازم می شود که آنرا «کار» یا «چی» ترجمه کرد . مثلاً :
Sportsman (ورزشکار) Coachman (کالسکهچی)

ترجمه صحیح این کلمه «سیاستمدار» است و آن کسی که لغت تحت اللفظی «دولتمرد» را جانشین لغت مقبول «سیاستمدار» کرده جز توهین به عرض خود ایجاد زحمت زبان فارسی کار دیگری انجام نداده است.

بدبختی بزرگی در اینجاست که بسیاری از این مترجمان از این قاعده کلی و پیش پا افتاده (که در اغلب زبان‌ها هست) غافلند که وقتی دو معنی بسط با هم ترکیب شدند غالباً مفهومی که هیچگونه شباهت به مفهوم اجزاء ترکیب کننده ندارد پیدا می‌شود.

مثلاً اصطلاح Chairman که از دو کلمه بسط Chair (صندلی) و Man (مرد) ترکیب شده است معنی صدراعظم، رئیس جلسه، ریاست هیئت مدیره، یا ریاست شورای وزیران (در کشورهای کمونیستی) را می‌دهد. اما اگر شیوه ترجمه مترجمان نو ظهور ما (که اجزاء کلمه را تک‌تک ترجمه و سپس آنها را به هم می‌چسبانند) پذیرفته شود آن وقت اصطلاح Chairman را باید «مرد صندلی» (در ردیف مرد قورباغه‌ای) ترجمه کرد!

در شرایط فعلی زبان فارسی که لغت‌های خارجی به مطبوعات و محاورات روزانه‌ها حملهور شده‌اند بهترین کاری که می‌شود کرد حفظ آن دسته از اصطلاحات قدیمی است که در گذشته بوسیله صاحب نظران و وضع‌یافتاس شده است. به این گونه اصطلاحات تا موقعی که اصطلاحاتی بهتر آنها از جانب مراجعی صلاحیتدار پیشنهاد نشده است نباید دست زد و اگر بنا باشد که هر کسی به میل خود لغتی وضع کند آن وقت هیچ بعید نیست که در عرض ده سال آینده صداها کلمه غلط و ناهنجار (از سنخ دولتمرد و مرد قورباغه‌ای) به زبان فارسی رخنه کنند و زیبایی سنتی این زبان را دگرگون سازند. البته من به هیچ وجه طرفدار رکود در زبان فارسی نیستم و معتقدم که لغت‌های بکر فارسی (تا آنجا که مقدور باشد) باید به طور حتم جایگزین لغت‌های خارجی گردد ولی این کار از دست مترجمان تازه کار که در مطبوعات، خبرگزاری پارس، و رادیو تلویزیون ملی ایران استخدام شده‌اند ساخته نیست و جزه و نظایف فرهنگستان و صاحب نظران است.

۳ - کشورهای توسعه یافته - کشورهای در حال توسعه

این دو کلمه که در سال‌های اخیر راه خود را به قاموس زبان فارسی باز کرده‌اند به ترتیب ترجمه‌های ناقصی هستند از اصطلاحات انگلیسی:

(۱) Developed Countries

(۲) Developing Countries

حال باید در نظر داشت که فعل To develop چندین معنی مختلف در زبان انگلیسی دارد که «توسعه یافتن» (رشد کردن) فقط یکی از آنهاست. اما معنی مناسبتر این فعل مخصوصاً موقعی که جنبه صمتمی شدن و استفاده از منابع طبیعی کشورها در نظر باشد «آباد شدن» است و مفهوم اخیر درست همان چیزی است که لغت سازان مامی بایست از آن استفاده کرده باشند و نکرده‌اند.

کشورهای امروزی جهان از نظر پیشرفت اقتصادی و صنعتی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

(۱) Developed Countries که ترجمه صحیح آن «کشورهای آباد» است.

(۲) Developing Countries که ترجمه صحیح آن « کشورهای روبه آبادی » است و بالاخره

(۳) Lin – deve. Olped ro Linder – developed Countries که ترجمه صحیح آن « کشورهای آباد نشده » است .

مثلاً ایران در ردیف (و شاید در صف مقدم) کشورهای رو به آبادی است . از آنجا که کلمه آبادی (که ریشه آب درش هست) در گذشته همیشه با « آبادی فلاحتی مترادف بوده است ، ما هنوز به این واقعیت معاصر که آبادی ممکن است آبادی اقتصادی و صنعتی هم باشد ، خونکرده ایم . ولی حقیقت همین است که آبادی شامل آبادی صنعتی هم می شود و کشورهای « روبه آبادی » (Developing Countries) همان کشورهایی هستند که در مسیر صنعتی شدن افتاده اند .

به خاطر هم هست تقریباً دو سال پیش که این موضوع را در خدمت دوست و استاد دانشمند جناب دکتر پرویز نائل خانلری مطرح کردم ، ایشان ضمن تأیید نظر این بنده مثالی ذکر فرمودند که حقیقتاً جامع و معرف کنه مطلب است : فرمودند دفته دیگر که از جاده قدیم تهران به کرج مسافرت می کنید شماره کارخانه ها و تأسیسات صنعتی را که از میدان شهیاد به بعد تا حریم کرج ایجاد شده است یادداشت کنید و آن وقت خواهید دید که آبادی فقط معنی آبادی فلاحتی را نمی دهد بلکه آبادی صنعتی را نیز دربر می گیرد .

۴ - اشکالات ترجمه از ترکی استانبولی به زبان فارسی

یکی دیگر از اشکالات کار مترجمان امروزی ، مخصوصاً آن دسته از این مترجمان که در خبرگزاری پارس کار می کنند و وظیفه برگرداندن اخبار آژانس آناتولی یا مطالب روزنامه جمهریت را به عهده دارند ، ناشی از نوشته شدن لغت های ترکی (که خود شامل مقدار زیادی لغت های فارسی و عربی است) به خط لاتینی یعنی خط رسمی دولت ترکیه است . شاید بیشتر خوانندگان این مقاله مسبوق نباشند که زبان های فارسی و عربی چه تسلط عجیبی بر زبان ترکی دارند و چه حوزه ای وسیع از این زبان را اشغال می کنند . اگر خواننده فرصت مطالعه فرهنگ ترکی به فارسی (نشریه بنیاد فرهنگ ایران) * را داشته باشد خود بیچشم خواهد دید که در هر کدام از صفحات این فرهنگ لااقل دو ثلث لغتها (بلکه بیشتر) مأخوذ از عربی و فارسی و بقیه (یعنی فقط يك ثلث و بلکه کمتر) ترکی است .

در مورد این گونه ترجمه ها (یعنی ترجمه هایی که از مطبوعات ترکیه صورت می گیرد) انکار نمی توان کرد که وظیفه مترجمان کمی مشکل است و انداختن تمام مسئولیت نقص ترجمه به عهده آنها دور از انصاف است زیرا بعضی از اصوات حروف الفبا (نظیر A و H و D) هر کدام در زبان ترکی استانبولی به جای چندین حرف از حروف الفبای فارسی بکار می روند .

* فرهنگ ترکی به فارسی تألیف ابراهیم اولفون - جمشید درخشان . (از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران)

به عبارت دیگر A ترکی به جای الف و ع و H ترکی به جای هـ - ح - خ و T علاوه بر اینکه معادل ت و ط است غالباً به جای د نیز بکار می‌رود.

به این ترتیب اگر مترجمی با این جزئیات آشنا نباشد (کما اینکه بیشتر مترجمان مطبوعاتی ما ظاهراً نیستند) در آن صورت ممکن است مثلاً سه لغت Azimat و Azâr و Azamet را به صورت «آزاده» و «آزیمات» و «آزامت» ترجمه کند در حالی که ترجمه و انشای صحیح آنها به ترتیب: آزار (به معنی اذیت) و عزیمت (به معنی حرکت و مسافرت) و عظمت (به معنی بزرگی) است.

در مورد کلماتی که با خ و ح شروع می‌شوند کار از این هم دشوارتر است زیرا همچنانکه اشاره شد قطع نظر از اینکه حروف ح و هـ هر دو در رسم الخط لاتینی ترکیه به صورت h نوشته می‌شود خود این حرف h غالباً به جای خ نیز بکار می‌رود.

من باب مثال به لغت‌های زیر موقعی که به خط لاتینی ترکی نوشته می‌شوند توجه کنید (مثال‌های جملگی از فرهنگ ترکی به فارسی تألیف ابراهیم دولفون و جمشید درخشان استخراج شده‌اند. S وقتی سدیل داشته باشد «ش» و در غیر آن صورت «س» خوانده می‌شود. C با سدیل چ و بی سدیل ج تلفظ می‌گردد. گاهی صدای ت و ط و گاهی صدای د را می‌دهد.)

لغت	نحوه تلفظ حروف
Hads حدس - گمان	h = ح S = س
Hadis حدیث - روایت	h = ح S = ث
Hayret حیرت	h = ح
Hayrat خیرات - (نیکوکاری)	h = خ
Hezaran خیزران	h = خ
Hazan خزان (پائیز)	h = خ
His حس	h = ح S = س
Hisse حصه - سهم	h = ح S = ص
Hint هند	h = هـ T = د
Tane دانه	T = د
Tellâl دلال	T = د
Turac دراج (پرنده)	C = ع T = د
Tabak ^s - hane دباغخانه	K = غ h = خ T = د
Tahte تخته	h = خ T = ت
Tuln ** طلوع	T = ط

* فرهنگ ترکی - فارسی (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران) ص ۱۷

*** تمام این لغت‌ها به همین ترتیب (منتها با تلفظی نسبتاً متفاوت) در زبان ترکی استعمال می‌شوند. به عبارت دیگر، لغت در ترکی و فارسی یکی است و فقط طرز تلفظ کمی فرق می‌کند. مثلاً ترک‌ها به جای دانه «تانه» و بجای دلال «تلال» را بکار می‌برند.

چنانکه ملاحظه می‌فرمائید کار مترجم ایرانی (اگر آشنا به قواعد زبان ترکی نباشد) خیلی سخت است و هیچ بعید نیست که Tabakhane (دباغخانه) را «طبق خانه» و Turac (دراج) را «دورج» و Hezaran (خیزران) را «هزاران» و Hayrat (خیرات) را «حیرت» ترجمه کند.

خواننده ممکن است به من ایراد بگیرد که اینها مسائلی هستند مربوط به تلفظ لغات و اگر کسی علاقمند به یاد گرفتن آنها باشد طبیعاً می‌رود و زبان ترکی می‌خواند و در تلفظ این کلمات ورزیده می‌شود. ولی بدبختانه بسیاری از مردم ایران که اخبار و مطالب مربوط به کشور ترکیه را به صورت ترجمه در مطبوعات ایران می‌خوانند، غالباً با نامها و اصطلاحات نامفهومی مواجه می‌شوند که با اندک دقتی می‌شده است صورت و تلفظ صحیح آنها را تحویل خواننده داد. به خاطر هست قریب دوازده سال پیش که در اروپا مشغول تحصیل و تحقیق بودم کودتای نظامی ترکیه صورت گرفت و در محاکماتی که به دنبال این کودتا پیش آمد نخست وزیر حکومت سابق (عدنان مندرس) و دو تن از وزیرانش (وزیر دارائی و وزیر خارجه) هر سه محکوم به اعدام و گویا به دار کشیده شدند.

در روز نامه اطلاعات هوایی که در آن تاریخ بدست من رسید جریان خبر را به نقل از آژانس آنا تولی (پا رویتر) چنین ترجمه کرده بودند:

«به قرار گزارش خبرگزاری ترکیه حکم اعدام دادگاه انقلابی درباره عدنان مندرس (نخست وزیر سابق) و فوآت پولاتکان (وزیر دارائی) و فاتین زورلو (وزیر خارجه) دیروز به مرحله اجرا گذاشته شد.»

اشتباهاتی که در همین خبر دو سطر صورت گرفته عبارتند از:

(۱) فوآت می‌بایست فوآد ترجمه شود.

(۲) پولاتکان می‌بایست پولادقان ترجمه شود که نامی است مرکب از پولاد و قان (به معنی خون و تبار) و پولادقان معنی «پولادین تبار» را می‌دهد.

(۳) Fatin می‌بایست فطین (از ماده فطانت) ترجمه شود و نه فاتین.

بنابراین خبر مزبور اگر بوسیله مترجمی ورزیده در خبرگزاری پارس ترجمه می‌شد می‌بایست به این صورت به دست خواننده رسد:

«به قرار گزارش ترکیه حکم اعدام دادگاه انقلابی درباره آقایان عدنان مندرس و فولاد قان (وزیر دارائی) و فطین زورلو (وزیر خارجه) دیروز به مرحله اجرا گذاشته شد...» *

از این قرار، برعهده وزارت اطلاعات و مطبوعات وزین کشور است که در آتیه توجه بیشتری به انتخاب مترجمان اخبار و مطالب سیاسی مبذول دارند و آنها را از میان کسانی که

* نفوذ زبان فارسی را در زبان ترکی از همین نامهای خانوادگی این دو وزیر فقید می‌توان درک کرد چون در هر کدام از آنها يك جزء فارسی هست در پولادقان، کلمه پولاد و در زورلو کلمه زور.

پایه قوی در زبان فارسی و نیز آشنائی وسیع و عمیق به زبانهای خارجی دارند بر گزینند .
 نیز مترجمان عادی خود را از لغت درست کردن خود سرانه منع کنند .
 در عین حال ضروری است که هر روز نامه معتبری لااقل مجهز به مقداری دیکسیونرهای
 اصیل عربی به فارسی و ترکی به فارسی برای حل مشکلات مترجمان باشد .
 ولی همه اینها البته راه حل‌های موقتی هستند و راه حل اساسی برای جلوگیری از رواج
 لغات و اصطلاحات غلط را، به حق خود فرهنگستان باید بیندیشد .

مجله یغما - از جناب دکتر شیخ الاسلامی در نوشتن این بحث بسیار دقیق و ممنوع و
 ادب آموزانتان بسیار است، و خراشندگان مجله هم که غالباً جوایب دانش‌اند در این سپاسگزاری
 ایفای دارند .

تأسف در این است آنان که می‌باید؛ این گونه مقالات را نمی‌خوانند، و اگر بخوانند
 نمی‌فهمند، و اگر هم بفهمند بکار نمی‌بندند... با این نومی‌دی، توقع و انتظار داریم که استاد
 بزرگوار باز هم در این ابواب رنج تحقیق را بر خود هموار سازد و باز هم بگوید و بگوید...
 هر چه دانی که نشوند بگوی
 هر چه دانی تواز نصیحت و پند
 چه زیان هاست در سخن راندن
 نشوند از سخن ز دانشمند

بشاربن برد

بشاربن برد از طرفداران و مداحان ابراهیم بن عبدالله بوده و قصیده میمیه‌وی
 که سخت مشهور است در مدح صاحب ترجمه است که به مطلع زیر آغاز می‌شود :

ابا جعفر ما طول عیش بدائم و لا سالم عما قلیل بسالم

منتهی پس از قتل ابراهیم، شاعر از ترس، مطلع قصیده را تغییر داد
 و در اول آن کتبه منصور را که ابو جعفر باشد قرار داده است. ابیاتی از این
 قصیده در باب فواید و اهمیت مشورت گفته شده که در حد خود بی نظیر و دارای
 مضامین عالی است :

اذا بلغ الرأى المشورة فاستعن
 فلا تجعل الشورى عليك غضاضا
 وما خیر کف امسک الفل اختها
 وما خیر سیف لم یؤید بقائم

(اغانی جلد ۳ ص ۱۵۷ طبع دارالکتب)

تعلیقات و حواشی بر تجارب السلف
 تألیف حسن قاضی طباطبائی